

## هو العليم

### شبکه‌ای از روابط مفهومی «حق» در قرآن (زیرساختی برای آنتولوژی حق در قرآن)

#### چکیده:

نظریه‌ها تابعی از دستگاه معرفتی‌ای هستند که مولد آنهاست (پارادایم‌ها)، و آنها نیز تابعی از زیرساخت‌های هستی‌شناسانه می‌باشند. برای اکتشاف نظریه‌های قرآن بنیان، نیاز به اکتشاف دستگاه مولد معرفت قرآن بنیان است و اکتشاف این دستگاه معرفتی نیاز به اکتشاف «هستان‌شناسی قرآن» دارد. کاربردهای مفهوم «حق» در قرآن نشان از نقش مهم آن در هستان‌شناسی قرآنی دارد. این مقاله به دنبال کشف هستان‌شناسی حق در قرآن است (یعنی کشف نوع و کیفیت روابط «حق» با هم نشین‌ها و جانشین‌هایش) تا بتوان براساس آن، زیرساخت‌هایی برای علوم انسانی اسلامی فراهم ساخت. یافته‌های مقاله حاکی از این است که نقطه کانونی در هستان‌شناسی حق، مفهوم «بینهایت» و «خودبنیاد» است و هر فرد یا پدیده یا مفهومی که به آن مرتبط شده باشد و تاثیر در اتصال به آن داشته باشد، صفت «حق بودن» را می‌گیرد؛ و براساس آن می‌توان از انسان حق، معرفت حق، روش حق، ارزش حق، دین حق سخن گفت.

#### کلیدواژه‌ها:

قرآن، حق، معناشناسی، گراف و روابط مفهومی، شبکه روابط، آنتولوژی

## ۱- پیشینازها (مساله بحث، مفاهیم کلیدی، پیشینه)

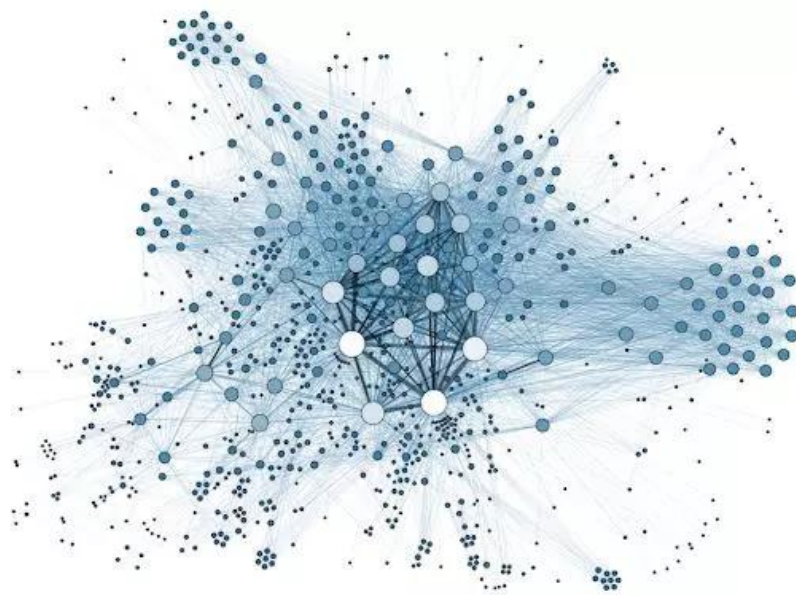
دستیابی به یک فرانظریه نقطه کانونی‌ای که وحدت‌بخش میان نظریه‌های مختلف در علوم انسانی باشد و جهت‌دهنده کلان به روابط میان متغیرهای مختلف تلقی شود از ماموریت‌های اصلی در فلسفه علوم انسانی است. اینگونه نظریه‌ها در مقیاس «پارادایمی» (چتر معرفتی حاکم بر کل نظریه‌ها در یک رشته علمی) قرار دارند و با اکتشاف روابط پدیده‌ها در بنیادی‌ترین لایه‌های هستی، انسان، معرفت، روش و ارزش، به فرموله کردن متغیرها می‌پردازند. مرکز ثقل و نقطه کانونی ارتباط میان این محورها به عنوان «دالّ مرکزی» برای پارادایم اکتشاف شده در نظر گرفته می‌شود. بر همین اساس برای دست‌یابی به زیرساخت‌های علوم انسانی اسلامی، نیاز به کشف نقطه کانونی روابط میان دیدگاه دین نسبت به محورهای فوق‌الذکر است. در این مقاله، با توجه به وزنی که در تعبیر قرآنی نسبت به مفهوم «حق» دیده می‌شود، تلاش شده است تا فرضیه‌ای مبنی بر مرکز ثقل بودن «حق» در ارتباطات میان محوره‌های پارادایمی پردازش شود و با جستجوی کاربردهای حق در قرآن این فرضیه اعتبارسنجی شود (در اصطلاح درون دینی، «عرض علی‌الکتاب» صورت گیرد). یافته‌های تحقیق حاکی از صحت این فرضیه است و مفهوم حق در اصلی‌ترین ارتباط خود، با وجود بینهایت الهی مرتبط است و از آنجا شاخص رشد انتزاع می‌شود و براساس آن انواع ارتباط با افکار، احساس و رفتارها، متصف به حق یا باطل می‌شود.

### ۱/۱- مساله بحث:

مساله اصلی مقاله را می‌توان با این عبارت بیان کرد: شبکه ارتباطی «حق» در قرآن چگونه است؟ و دستیابی به آن چه کارکردی دارد؟

### ۱/۲- مفاهیم کلیدی:

مفاهیم کلیدی در این مقاله عبارتند از: حق، شبکه ارتباطی و گراف مفهومی، آنتولوژی الف- در تعریف اجمالی «حق» چنین آمده است: «الحق هو الثابت بحقیقه معنی الثبوت» (طباطبایی، المیزان، ج ۷ ص ۱۴۶) مقصود از «ثبوت» در امثال این تعبیر، به دلیل درج قیودی مانند «بحقیقه معنی الثبوت»، «استقرار فیزیکی یا دوام زمانی» نیست بلکه به معنی «خودبنیاد» است. توضیح تفصیلی این مطلب در بدنه بحث ارائه شده است. ب- در تعریف و توصیف «شبکه و گراف» چنین بیان شده است: «شبکه»، محصول ارتباط منسجم مجموعه‌هاست به طوری که دارای یک اثر برآیندی باشند. «شبکه»، هم‌جنس «سیستم» است؛ سیستم، مجموعه‌ای از عناصر است که با برقراری روابط میان آنها یک خروجی به دست آید. (حمیدی‌زاده، ۱۳۷۹)، ص ۲۳) (حمیدی‌زاده، ۱۳۷۹) «گراف مفهومی»، ترسیمی هندسی از روابط در یک شبکه است به طوری که نقاط اتصال خطوط ارتباطی (گره‌ها) و تمام خطوط ارتباطی (یال‌ها)، و جهت ارتباط و کیفیت ارتباط (وزن‌ها) مشخص شده باشد. تصویر زیر یک نمونه از یک گراف است:



ج - در تعریف آنتولوژی‌ها (ontology) اینگونه آمده است:

آنتولوژی‌ها یا هستان‌شناسی‌ها، ترسیم‌کننده «نقشه هستی» اند که به صورت دسته‌بندی‌های کلان، حداقل چهار مجموعه را نشان می‌دهند: ۱- اجزای تشکیل‌دهنده «هستی»، یا «یک رشته دانشی» ۲- صفات، خصیصه‌ها و حیثیت‌های آنها ۳- انواع روابط آنها با یکدیگر ۴- قواعد پایه‌ای که ساختار اصلی شبکه را شکل می‌دهند. نکته مهم در تمام این موارد، بیان دقیق و بدون ابهام و احتمالات معنایی است که متمایزکننده از تمام موارد مشابه و مرتبط باشد. هستی‌شناسی‌ها، مراتب دارند و از «هستی‌شناسی بالایی» (upper ontology) که به کلان هستی می‌پردازد آغاز می‌شوند و به هستی‌شناسی‌های خاص که مربوط به رشته‌های دانشی هستند می‌رسد مانند آنتولوژی روان‌شناسی یا آنتولوژی فقه. خروجی هستان‌شناسی‌ها زیرساخت و چهارچوبی برای تنظیم اطلاعات در رشته‌های مختلف دانشی و طبقه‌بندی‌ها و اصطلاح‌نامه‌ها، درختواره‌ها و بانک‌های اطلاعاتی هستند. (ژاکوب، ترجمه فاطمه شعاعی، ۱۳۸۴)، ص ۱۸۹-۱۹۳

نکته مهم هم در شبکه‌ها، گراف‌ها و آنتولوژی‌ها، «برآیندی» بودن آنهاست که اثرگذاری و اثرپذیری روابط نسبت به یکدیگر، سبب دست‌یابی به یک خروجی یا یک نقطه کانونی می‌شود.

### ۱/۳- روش تحقیق:

در این مقاله، از رویکرد و ابزارهای «معناشناسی رابطه‌ای» استفاده شده است که در بستر زبان‌شناسی ساخت‌گرا شکل گرفته است. در دانش زبان‌شناسی و معناشناسی، اصلی‌ترین نظریه، مربوط به تبیین چگونگی شکل‌گیری جملات معنادار توسط متکلم و چگونگی فهم آنها توسط مخاطب است؛ از محوری‌ترین نظریه‌ها در این مورد، نظریه «ساخت‌گرایی» است که توسط «فردینان دوسوسور» صورت‌بندی شده است. جوهره این نظریه را می‌توان چنین توصیف کرد: زبان، دارای ساختاری واقعی فارغ از احساس‌ها و تمایلات مردم است و انتقال تمام معانی در درون این ساختار صورت می‌گیرد. هر جزء در زبان، در ضمن یک کل، و به صورت نظام‌مند قرار دارد که با تشخیص موقعیت آن، می‌توان معنای موجود در متن را رمزگشایی کرد. (دوسوسور، ترجمه صفوی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۳-۱۸۷)

در این نظریه، روابط معنایی مختلفی تعریف می‌شود از جمله دو رابطه اصلی «جانمایی و هم‌نشینی». تجربه عرفی نشان می‌دهد که در شکل‌گیری جملات (زنجیره کلمات)، هر کلمه‌ای با هر کلمه‌ای هم‌نشینی نمی‌شود و کنار یکدیگر قرار نمی‌گیرند و معنادار نمی‌شوند بلکه

باید ارتباطی متناسب با آنچه در واقعیت وجود دارد بین آنها لحاظ شده باشد تا مورد فهم قرار گیرند یا مقصود خاص متن و مولف از جملات استنباط شود این روابط، معناشناسی رابطه‌ای را شکل می‌دهند. در لایه بعدی از ساختار زبانی، وقتی جمله‌ای با روابط هم‌نشینی پدید آمد، می‌توان کلمات و ترکیب‌های به‌کار رفته در آن را با کلمات و ترکیب‌های مشابه و مرتبط، جایگزین کرد و عملیات «جانشینی» را انجام داد مانند جمله «علی آدم خوبی است.» که کلمات آن می‌تواند به‌صورت‌های زیر جایگزین شود: «پدر حسن، مرد شریفی است.» یا «همسر فاطمه، انسانی والا است.»، و ترکیب‌های مثل زیر می‌توانند جایگزین آن بشوند: «مرد شریفی هست که نامش علی است.» یا «اگر خوبی را می‌خواهی به علی نگاه کن.» بر این اساس می‌توان برای تعریف رابطه «جانشینی» چنین گفت: «رابطه معنایی میان کلماتی که در یک زنجیره گفتاری به‌کار می‌روند یا ترتیب آن کلمات، با کلمات خارج از آن زنجیره یا ترتیب دیگری از کلمات، به‌طوری که قابلیت جایگزینی با کلمه یا ترکیب خارج از آن زنجیره وجود داشته باشد.»<sup>۱</sup> (دوسوسور، ترجمه صفوی کوروش، ۱۳۷۸). براساس «روابط هم‌نشینی و جانشینی» می‌توان گفت:

- ۱- سیاق، جهت معنایی تعیین‌کننده نوع ارتباط کلمات در یک گفتار، از حیث هم‌نشینی و جانشینی است.
- ۲- تحلیل و تفسیر متن، تلاش روشمند برای کشف مراد مولف با استفاده از دو ابزار تجزیه و ترکیب در چهار مرحله است: ۱- تجزیه متن به گفتارها و تجزیه گفتارها به قطعات و تجزیه قطعات به جملات و تجزیه جملات به کلمات، ۲- به‌کار بردن قاعده «بررسی جانشینی‌ها و هم‌نشینی‌ها» برای کشف روابط میان اجزاء متن؛ ۳- پاسخ به سوال: هر جمله و هر گفتار، از چه معانی قبلی (اعم از زمینه‌ها و قرائن مرتبط) تغذیه می‌کنند و چه معانی ضمنی و چه لوازم بعدی دارند؟ ۴- وزن‌دهی به اجزاء و روابط و قرائن و لوازم، و برآیندگیری از کل عملیات.
- ۳- قید، شرط، صفت، اضافه، هر مفهومی است که سبب جهت‌دهی به معنای حرف یا کلمه یا جمله یا متن می‌شود تا منظور اصلی‌گوینده در زنجیره گفتار به‌دست آید، و بسته به نوع جهت‌دهی، «شرط یا صفت یا اضافه» می‌شود و انواعی مانند قید زمانی، مکانی، کمی، کیفی و ... پیدا می‌کند.

#### ۱/۴- پیشینه بحث:

در این مقالات متعددی منتشر شده است که برخی از آنها عبارتند از:

- ۱- «وجوه قرآنی حق در نظام آفرینش» (غضنفری و همکار، ۱۴۰۰)، ۲- «معناشناسی حق در قرآن کریم و روایات» (اکبری راد، ۱۳۸۹)، ۳- «تقابل‌های معنایی حق در قرآن براساس معناشناسی ساختگرا» (فتحی و همکاران، ۱۳۹۸)، ۴- «تحلیل رابطه حق در قرآن مجید بر پایه معناشناسی حق در قرآن و با تأکید بر معناشناسی ساختگرا» (سید خراسانی و همکار، ۱۳۹۸)، ۵- «پژوهشی پیرامون واژه «حق» در قرآن با تأکید بر آیه ۷۱ سوره رعد» (یزدانی احمدآبادی و همکار، ۱۳۹۷)، ۶- «علامه طباطبایی و اصول هستی‌شناختی برگرفته از لفظ «حق» در قرآن کریم» (خندان و همکار، ۱۳۹۷)، ۷- «تحلیل مؤلفه‌های معنایی حق در قرآن کریم با بهره‌گیری از شیوه هم‌نشینی و جانشینی» (ساسانی و همکار، ۱۳۹۱)، ۸- «جایگاه معنایی واژه «حق» در قرآن کریم با محوریت هم‌نشینی واژگان» (مختاری و همکار، ۱۳۹۸)

تمایز مقاله حاضر با موارد فوق، در تدوین شبکه روابط براساس آنتولوژی است. (جدول مذکور در انتهای مقاله، روابط آنتولوژیک را به تفصیل ارائه کرده است.)

<sup>۱</sup> اصطلاح «هم‌نشینی و جانشینی» در زنجیره‌های گفتاری، متعلق به «فردینان دوسوسور» است؛ برای توضیح بیشتر در این مورد جوع کنید به کتاب: دوره زبان‌شناسی عمومی، تألیف دوسوسور، ترجمه کورش صفوی، نشر هرمس، طهران، ۱۳۷۸

## ۲- بدنه بحث:

### ۲/۱- فرضیه اصلی

براساس یافته‌های اولیه می‌توان گفت: نقطه کانونی «حق» در قرآن، ارتباط آن با وجود بینهایت است که لازمه عقلی آن توحید است و ظهور و تجلی آن در ۱- ولایت و ۲- قواعد و قوانین هستی جاری می‌شود و آثاری مانند استواری و رشد دارد و براساس آن، تشریح، بشارت و هشدار و حسابرسی صورت می‌گیرد، و هر گونه ظلم و تمایلات نفسانی و شک، از بین برنده آن هستند.

### ۲/۲- استنادها برای صحت فرضیه:

در بررسی لغوی «حق» برای ریشه «حق» دو معنای اصلی ذکر شده است: ۱- استحکام و استواری (ابن فارس، ۱۴۰۴) ج ۲ ص ۱۵) ۲- موافقت و مطابقت (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق)، ص ۲۴۶؛ مهم‌ترین کاربردهای ریشه «ح ق ق»، ابتدا مصدرهای حق و حقیقت، به معنای واقعیت است و سپس صفت حق است که در وصف اعتقاد یا حکمی که با واقعیت مطابقت دارد به کار می‌رود. مشتقات اسمی و فعلی ریشه «ح ق ق» بر مفاهیم مختلف مادی و انتزاعی دلالت دارد که مشهورترین این معانی عبارت‌اند از: نقیض باطل، موجود ثابت و انکارناپذیر، نامی برای خدا، و جوب، شایستگی، یقین، نصیب و بهره، خالص و محض هر شیء، وسط شیء، استوار و ظاهر ساختن، هر نوع بلوغ و رسیدن. (دانشنامه جهان اسلام، ج ۱ ص ۶۳۲۱)

در تعریف اصطلاحی «حق» چنین آمده است: «الحق هو الثابت بحقیقه معنی الثبوت» (طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰ق، ج ۷ ص ۱۴۶)؛ مقصود از «ثبوت» در امثال این تعابیر، به دلیل درج قیودی مانند «بحقیقه معنی الثبوت»، «استقرار فیزیکی یا دوام زمانی» نیست بلکه به معنی «خودبنیاد» است. از سوی دیگر، لازمه عقلی هر چه «خودبنیاد» باشد عدم محدودیت است که نیاز به عامل محدودکننده ندارد، بنابراین موجود خودبنیاد، موجودی نامحدود و بینهایت است و بقیه موجودات و تمام ابعاد و سطوح واقعیت‌ها مرتبط با او و تابع او هستند.

در قرآن کریم در ۱۴۰ آیه کلمه «حق» به کار رفته است (بدون احتساب مشتقات) که هم‌نشین‌ها و جانشین‌های آن براساس معجم المفهرس عبدالباقی در ذیل ریشه حق، عبارتند از: (ساسانی و همکار، ۱۳۹۱) و (سید خراسانی و همکار، ۱۳۹۸)

ابتدا هم‌نشین‌ها، سپس جانشین‌ها (با حذف برخی موارد تکراری مضمونی) و ابتدا موارد مثبت، سپس موارد منفی (تقابل‌های معنایی):

ردیف	هم‌نشین	آیه
۱.	الله	ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ (حج/۶۲)
۲.	ولایت	هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ عُقْبًا (كهف/۴۴)
۳.	تقوی	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ (آل عمران/۱۰۲)
۴.	رسول	كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَ شَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقَّ وَ جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ (آل عمران/۸۶)
۵.	کتاب	الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ (بقره//۱۲۱)
۶.	قدر	وَ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيَّ بَشْرًا مِّن شَيْءٍ (انعام/۹۱)
۷.	وعد	أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (يونس/۵۵)
۸.	جهاد	جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ (حج/۷۸)
۹.	قول	قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ (قصص/۶۳)
۱۰.	یقین	إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ (واقعه/۹۵)
۱۱.	اموال	وَ الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ (معارج/۲۴)
۱۲.	تبیین	وَ دَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِن بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا ..... مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ (بقره/۱۰۹)

۱۳.	قصص	إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (آل عمران/۶۲)
۱۴.	معرفت	وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ (مائده/۸۳)
۱۵.	مجیبی	وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ (مائده/۸۴)
۱۶.	مولی	ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ الْحَقِّ وَلَا لَهُ الْحُكْمَ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ (انعام/۶۲)
۱۷.	وزن	وَالْوِزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (اعراف/۸)
۱۸.	کلمات الله	يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ (انفال/۷)
۱۹.	دین	هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (توبه/۳۳)
۲۰.	هدایت و تبعیت	قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِي (يونس/۳۵)
۲۱.	مبین	فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ (نمل/۷)
۲۲.	حیاء	وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ (احزاب/۵۳)
۲۳.	خشوع	أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ (حديد/۱۶)

تقابل های معنایی:

۲۴.	ضلال	فَذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقِّ إِلَّا الصَّلَاةُ فَآتَىٰ تُصْرِفُونَ (يونس/۳۲)
۲۵.	عذاب	كَثِيرٌ حَقٌّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ (حج/۱۸)
۲۶.	باطل	وَلَا تَلْبَسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (بقره/۴۲)
۲۷.	اختلاف	فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ (بقره/۲۱۳)
۲۸.	کتمان	يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبَسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (آل عمران/۷۱)
۲۹.	ظن	وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ (يونس/۳۶)
۳۰.	تکذیب	وَكَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُلْ لَنْسُتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ (انعام/۶۶)
۳۱.	مجادله	يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ (انفال/۶)
۳۲.	هوى	وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ (مومنون/۷۱)
۳۳.	سحر	وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ (زخرف/۳۰)
۳۴.	بغیر الحق	ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ (آل عمران/۱۱۲) (با هم نشین های مانند: البغی، الاثم، استکبروا، یفترون، تفرحون، کفروا)

جانشینی ها و هم معنایی ها:

۳۵.	جانشینی سلطان	وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (غافر/۲۲) (در مقایسه با کاربرد مشابه در «حق مبین»)
۳۶.	جانشینی صدق	وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (زمر/۳۳) (در مقایسه با کاربرد مشابه در «جاء بالحق»)
۳۷.	جانشینی قسط	وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (يونس/۴۷) (در مقایسه با کاربرد مشابه در قضی بینهم بالحق)
۳۸.	جانشینی هدایت و بینات	إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أُنزِلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ (بقره/۱۵۹) (در مقایسه با کاربرد مشابه در یکتمون الحق)
۳۹.	جانشینی ذکر	إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّ لَهُمْ لِكِتَابًا عَزِيزًا (فصلت/۴۱) (در مقایسه با کاربرد مشابه در کفروا بالحق)

۴۰.	جانشینی غیب	الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (بقره/۳) (در مقایسه با کاربرد مشابه در یومنون بالحق)
۴۱.	هم معنایی با قرآن	فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُبِينٌ (یونس/۷۶)
۴۲.	هم معنایی با صدقه	وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (الذاریات، ۱۹)
۴۳.	هم معنایی با وجوب	وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (سجده/۱۳)
۴۴.	هم معنایی با عدالت	وَالْوِزْنُ يُومَنُذِ الْحَقِّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (اعراف/۸)

همه افعال خدا در قرآن با تعبیر «بالحق» همراه شده‌اند، از خلقت آسمان‌ها و زمین و خورشید و ماه تا فرستادن پیامبران، نزول قرآن، نزول فرشتگان، نزول عذاب، محاسبه در روز قیامت و غیره.

در تحلیل موارد مذکور در جدول فوق، به برخی از موارد کانونی در زیر پرداخته شده است و براساس کاربردهای فوق، جدول تحلیل روابط حق در ادامه آمده است و گراف مفهومی آن نیز ترسیم شده است:

در ارتباط «حق» با محور هستی‌شناسی در یک نظام فکری، آیه شریفه زیر از آیات کلیدی است: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنْ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ» (لقمان/۳۰) ترجمه: «علت این امر انحصار حق بودن در خداوند است و اینکه هر چه غیر خدا مورد توجه قرار می‌گیرد باطل است و فقط خداوند است که برترین و صاحب احاطه بر همه چیز است»؛ در تفسیر آن اینگونه آمده است: «معنی حق بودن خداوند و حصر این حق در وجود او این است که او ذاتا عین واقعیت است و وجود مطلق است که از همه جهات و بدون هر قیدی عین واقع است.» (طباطبایی، المیزان، ج ۱۶ ص ۲۳۶)

هم چنین در ذیل آیه شریفه «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُخِي الْمَوْتَى وَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (حج/۶) چنین بیان شده است: «در اینجا مقصود از «حق»، یک ذات و تحقق است نه «حق بودن» به معنای یک صفت، یعنی خداوند ذاتی است که عین تحقق و ثبوت است و همه چیز به سبب او تحقق پیدا می‌کند و اراده او همه واقعیت‌ها و نظام هستی را شکل می‌دهد.» (طباطبایی، المیزان، ج ۱۴ ص ۳۴۵)

در ارتباط «حق» با محور معرفت‌شناسی در یک نظام فکری، نیز چنین آمده است: «يَوْمَئِذٍ يُوفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ» (نور/۲۵) ترجمه: «در موقف حضور در برابر خداوند، او واقعیت دین را تماما برایشان آشکار می‌سازد و عمیقا می‌فهمند که فقط خداوند عین واقعیت است و واقعیتی آشکار نیز هست.» در این آیه متعلق «علم و معرفت نهایی»، «حق» قرار داده شده است. هم چنین در آیه شریفه «سُئِرِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ.» (فصلت/۳۵) متعلق «تبیین» که از جنس معرفت است، «حق» قرار گرفته است. (ترجمه آیه: ما نشانه‌های روشنی که در آسمان و زمین و در درون آنها هست و به ما راهنمایی می‌کنند را دائم به آنها نشان می‌دهیم تا خوب مشخص شود که فقط خداوند عین واقعیت است.)

در ارتباط «حق» با محور «ارزش‌شناسی» این تعبیر وارد شده است: «لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مِنْهَا جَا» (مائده/۴۸) که بیانگر ضرورت تبعیت اراده‌ها و تمایلات از «حق» است. (ترجمه آیه: حقایق برای تو روشن شده است بنابراین تحت تاثیر خیالات و تمایلات آنها قرار نگیر و برای رسیدن به حق، امر و نهی کن، ما عالم را طوری خلق کرده‌ایم که هر قشر و طائفه‌ای منبع و مرجعی برای آگاهی برمی‌گزینند و سبک زندگی‌ای را انتخاب می‌کنند و می‌خواهند به راه خودشان بروند)

هم چنین آیه ذیل بیانگر مناط هر گونه مشروعیتی است: «الْوِزْنُ يُومَنُذِ الْحَقِّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (اعراف/۸) در تفسیر این آیه چنین وارد شده است: «در روزی که حسابرسی صورت می‌گیرد، هر کاری به اندازه تطابقش با حق ارزش خواهد داشت.» (طباطبایی، المیزان، ج ۸ ص ۱۱)

نسبت به شبکه‌ای بودن و یکپارچه بودن «حق» نیز آیه شریفه «لَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهِنَّ» (مومنون/۷۱) دلالت واضحی دارد (ترجمه: اگر قرار بود تمایلات و خیالات هر کسی بیانگر واقعیت باشد، به سبب تفاوت و تفرق آنها، هستی و تمام موجودات متلاشی

می‌شدند.) علامه طباطبایی در تفسیر این آیه چنین بیان کرده است: «ساختاری از خلقت که زندگی انسان را به سوی سعادت می‌برد ساختاری است که منطبق با تمام قوای وجودی او و نیازهای او باشد، از سوی دیگر می‌دانیم که این قوا و نیازها مرتبط با کل شبکه هستی (النظام الکونی) هستند و اگر قرار باشد هر کسی در طبق سلیقه و تمایلات خود حرکت کند و واقعا به نتیجه و رشدی برسد باید تمام روابط شبکه هستی را تغییر بدهد.» (المیزان، ج ۱۵ ص ۴۷)

براساس مباحث فوق (بالخصوص با استفاده از رویکرد معناشناسی رابطه‌ای) جدول کشف روابط تحلیل «حق» به صورت زیر قابل ارائه است: (این جدول به طور خاص برای متخصصین هوش مصنوعی که براساس پیکره‌ها برنامه‌نویسی می‌کنند می‌تواند نکاتی را در بر داشته باشد.)

کلمه یا ترکیب مورد نظر:		
..... «حق» .....		
ردیف	سوال مورد نظر	پاسخ
۱.	چه نوع کلمه‌ای است؟ چه وزنی و چه ریشه‌ای دارد؟ معنای آن وزن و معنای آن ریشه (روح معنایی) چیست؟ <sup>۲</sup> سپس پاسخ به سوال زیر: چه روح معنایی، با استفاده از چه نوع کلمه و وزنی، چه حالت معنایی خاصی گرفته است؟ (..... ← روح معنایی است برای ←.....) (..... ← زیرمجموعه‌ای است از ←.....)	حق ← مشتقی است از ریشه ← ح ق ق ریشه ح ق ق ← دارای روح معنایی ← «استحکام و استواری» و «مطابقت» حق ← مصدری دارای معنای ← تاکید و عمق حق ← زیرمجموعه‌ای است از ← مفهوم واقعیت
۲.	از چه جنسی است؟ (مادی، زیستی، ذهنی، احساسی و قلبی، رفتاری و مهارتی، ربطی، اعتباری، فرآیندی، ملکوتی، ترکیبی،...) (..... ← عضو است از.....) (..... ← دارای مصداق..... است.) یا (..... ← مصداقی است از.....)	حق ← از جنس ← وجود است حق ← عضوی است از ← مراتب وجود حق ← دارای مصداق اعتباری ← «ارزش» است حق ← دارای مصداق ذهنی و مفهومی ← «صدق» است. حق ← دارای مصداق رفتاری ← «عدل» است. حق ← دارای مصداق احساسی و قلبی ← «صفات جمالی» و «سلامت قلبی» است.
۳.	مفاهیم مشابه و مترادف با آن کدامند؟ و نقطه تشابه کجاست؟ و نقطه فرق (فروق اللغات) کجاست؟ (..... ← مترادف است با.....) (..... ← نقطه تفاوت..... است با.....)	حق ← تشابه معنایی دارد با ← واقعیت، صدق، عدل نقطه تفاوت «واقعیت» با «حق» ← لحاظ براساس منشاء (واقعیت، منشاء حق است.) نقطه تفاوت «صدق» با «حق» ← لحاظ براساس مطابقت (صدق، مطابقت با حق است.) نقطه تفاوت «عدل» با «حق» ← لحاظ براساس عملکرد (عدل نتیجه عملکرد براساس حق است.)

<sup>۲</sup> هر کدام از سوالات ذکر شده در سطور جدول، حاوی چندین برچسب مجزا هستند که به جهت اختصار در یک بسته ذکر شده‌اند.



<p>حق ← تضاد و قابل معنایی دارد با ← باطل، دروغ، ظلم، فساد، هوای نفس</p>	<p>مفاهیم متضاد با آن کدامند و نقطه تضاد کجاست؟ (..... متضاد است با.....)</p>
<p>«رشد» ← اثر و نتیجه‌ای نهایی برای ← حق است. «رشد» ← از جنس ← گسترش و تشدید وجودی است. «رشد» ← ظهور پیدا می‌کند و صورت‌بندی می‌شود در قالب ← علم (رشد ذهنی)، مدیریت احساس (رشد احساسی عاطفی)، واقع‌بینی و تصمیم‌گیری بهینه (رشد عقلانی)، ملکوت‌خواهی (رشد قلبی)، مسئولیت‌پذیری جمعی (رشد ترکیبی)، عبودیت و حب الله (رشد ترکیبی)</p>	<p>چه اثری ایجاد می‌کند؟ (هدف و علت غایی) (..... اثری است برای.....) اثر فوق چه جنسی دارد؟ (مادی، زیستی، ذهنی، احساسی و قلبی، رفتاری و مهارتی، ربطی، اعتباری، فرآیندی، ملکوتی، ترکیبی) اثر فوق، چه مراتب و ابعاد و خصوصیتی دارد؟ (شدت و ضعف، ظاهر و باطن، جهت، رتبه، ترتیب) (..... مرتبه‌ای است از.....) (..... ظهور و صورتی است از.....)</p>
<p>وجود بینهایت ← عامل اصلی و دائمی است برای ← به ظهور رسیدن «حق» برقراری ارتباط با وجود بینهایت ← عامل اصلی و مادامی است برای ← ایجاد و بقاء حق</p>	<p>عامل به وجود آورنده مفهوم اصلی چیست؟ (علت فاعلی) آیا بعض‌العله است یا تمام‌العله؟ آیا علت موقت است (قابل زائل شدن است؟) یا دائمی؟ (..... علت است برای.....)</p>
<p>«توجه به واقعیت» ← نقطه شروع است برای ← شکل‌گیری مفهوم «حق»</p>	<p>نقطه شروع تحقق مفهوم کجاست؟ (..... نقطه شروع است برای.....)</p>
<p>«توجه به خودبنیاد بودن و ثبات» ← مرحله دوم است برای ← شکل‌گیری مفهوم «حق»</p>	<p>مراحل تحقق مفهوم کدامند؟ (..... مرحله دوم یا... است برای.....)</p>
<p>«حق» ← ناوابسته و مستقل است از ← زمان و مکان «اعمال حق» بر مصادیق ← وابسته است به زمان و مکانی ← که سبب ایجاد اثر <u>رشدی</u> آن بشود.</p>	<p>نسبت زمان و مکان با تحقق مفهوم مورد نظر یا نسبت زمان با ایجاد اثر آن چیست؟ آیا مقید به زمان و مکان خاصی است؟ (..... زمان خاصی است برای.....) (..... گذشته‌ای است برای.....) (..... آینده‌ای است برای.....)</p>
<p>«حق» ← ناوابسته و مستقل است از ← کمیت «اعمال حق» بر مصادیق ← وابسته است به کمیتی ← که سبب ایجاد اثر <u>رشدی</u> آن بشود.</p>	<p>نسبت کمیت با تحقق مفهوم مورد نظر چیست؟ (..... اندازه‌ای است برای.....)</p>
<p>«حق» ← دارای بعد ← فردی، جمعی، بشری، تمدنی و ملکوتی است. «سلامت فردی» ← بُعدی است از ← اعمال حق</p>	<p>چه ابعاد، زوایا، سطوح، لایه‌ها و مراتبی دارد؟ (..... بُعدی است برای.....) (..... لایه‌ای است برای.....)</p>

		«تعدادل اجتماعی» ← بُعد جمعی است از ← اعمال حق «تمدن» ← بُعد و مقیاس کلان است از ← اعمال حق
۱۲.	زمینه و شرایط و امکانات لازم برای تحقق مفهوم مورد نظر کدامند؟ (..... زمینه‌ای است برای.....) (..... شرط و قید است برای.....)	«آگاهی به نیازها» ← زمینه‌ساز است برای ← دست‌یابی به حق «آگاهی به هدف پدیده‌ها» ← زمینه‌ساز است برای ← دست‌یابی به حق «واقع‌بینی» ← شرط و قید است برای ← اعمال حق
۱۳.	موانع تحقق مفهوم مورد نظر کدامند؟ (..... مانعی است برای.....) شرایط از بین رفتن آن چیست؟ (..... از بین برنده و زائل‌کننده‌ای است برای.....)	«توهمات، سلیقه، دروغ، ظلم، خیانت و..» ← مانع است برای ← دست‌یابی به حق و اعمال حق «هوای نفس» ← از بین‌برنده است برای ← حق
۱۴.	روابط آن با مفاهیم دیگر چگونه است؟ (..... اثر می‌گذارد در.....) (..... اثر می‌پذیرد از.....) (..... هم‌نشین است با.....) (..... ضریب اهمیت دارد برای.....)	«حق‌بینی» ← اثر می‌گذارد در ← تحقق عدالت، در دست‌یابی به سعادت «حق» ← اثر می‌پذیرد از ← مراتب و درجات وجودی در پدیده‌ها «حق» ← هم‌نشین است با ← الله، ولایت، ولایت، دین، قانون، حیات، عاقبت، میزان، قصص، هدایت، بشارت، وعده و... تشخیص نیازهای صادق ← ضریب اهمیت دارد برای ← دست‌یابی به حق
۱۵.	اصلی‌ترین عنصر، مولفه یا جزء تشکیل‌دهنده مفهوم مورد نظر چیست؟ (مرکز ثقل، هسته مرکزی) + (اولویت‌ها) (..... جزء اصلی است برای.....) (..... اولویتی است برای.....)	ارتباط با وجود بینهایت ← هسته مرکزی است برای ← ظهور حق تشخیص نحوه ارتباط با موجود خودبنیاد ← اولویتی است برای ← فهم حق
۱۶.	چه جایگزینی دارد؟ (..... جایگزینی است برای.....)	«صدق»، «عدل»، «واقع» ← جانشینی است برای ← حق
۱۷.	چه مکملی دارد؟ با چه چیزهایی می‌تواند ترکیب شود؟ (..... مکملی است برای.....) (..... ترکیب می‌شود با.....)	حق ← ترکیب می‌شود با ← الله، الناس، دین، یوم، تقوا،
۱۸.	نیاز به چه ابزاری برای تحقق یا رسیدن به هدف دارد؟ (..... ابزار اجرایی است برای.....)	آگاهی از واقعیت‌ها (مانند دانش‌های هستی‌شناسانه) ← ابزاری است برای تحقق ← حق

۱۹.	شاخص سنجش تحقق یا اثرگذاری آن چیست؟ (..... شاخصی است برای.....)	میزان احساس عدالت و صداقت و رفع نیازها ← شاخصی است برای سنجش تحقق «حق»
۲۰.	چه می‌شود اگر نباشد؟ (..... تبعاتی است برای نبودن.....)	متلاشی شدن زندگی جمعی و شقاوت فردی ← تبعاتی است برای نبودن ← توجه به حق
۲۱.	بودن آن چه مشکلات، هزینه، بار، زحمت، و... دارد یا ایجاد می‌کند؟ (..... مشکلی است برای.....)	تلاش برای تشخیص نیازهای صادق و آماده‌سازی امکانات برای رفع نیازها ← مشکل و زحمتی است برای ← تحقق «حق»
۲۲.	چگونه تکامل پیدا می‌کند؟ (..... سبب تکامل است برای.....)	افزایش آگاهی از نیازهای صادق و مراتب رشد و افزایش مهارت برای عدالت‌ورزی ← سبب تکامل است برای ← اعمال حق

براساس جدول فوق، گراف برخی ارتباطات مفهومی «حق» را می‌توان چنین ترسیم کرد:



## منابع:

- قرآن کریم
- ابن فارس، ا. (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- اکبری راد، ط. (۱۳۸۹). معناشناسی حق در قرآن کریم و روایات. نامه الهیات شماره ۱۰۸۱۱-۸۷، ۸۷.
- حمیدی زاده، م. (۱۳۷۹). پویایی های سیستم. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- خندان و همکار، ع. (۱۳۹۷). علامه طباطبایی و اصول هستی شناختی برگرفته از لفظ «حق» در قرآن کریم. پژوهش های هستی شناختی ش ۱۲۴۱۴-۱۰۵، ۱۰۵.
- راغب اصفهانی، ح. (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن. لبنان: دارالعلم.
- ژاکوب، ترجمه فاطمه شعاعی، ا. (۱۳۸۴). هستان شناسی ها و وب معنایی. فصلنامه کتاب سال ۱۹۳-۱۸۹، ۱۸۹.
- ساسانی و همکار، ف. (۱۳۹۱). تحلیل مؤلفه های معنایی حق در قرآن کریم با بهره گیری از شیوه همنشینی و جانشینی. جستارهای زبانی ش ۸۴۹-۶۷، ۶۷.
- سید خراسانی و همکار، ر. (۱۳۹۸). تحلیل رابطه حق در قرآن مجید بر پایه معناشناسی حق در قرآن و ب اتاکید بر معناشناسی ساختگرا. پژوهش دینی ش ۱۳۵۳۹-۱۱۳، ۱۱۳.
- غضنفری، ع. (۱۴۰۰). وجوه قرآنی حق در نظام آفرینش. مطالعات قرآن و فرهنگ اسلامی ۱۲۸-۱۱۱، ۱۱۱.
- فتحی و همکاران، ع. (۱۳۹۸). تقابل های معنایی حق در قرآن براساس معناشناسی ساختگرا. پژوهش های زبان شناختی قرآن شماره ۱۶، ۱۷۵-۱۹۰.
- مختاری و همکار، ق. (۱۳۹۸). جایگاه معنایی واژه «حق» در قرآن کریم با محوریت همنشینی واژگان. پژوهش های قرآنی در ادبیات ش ۱۰۶۷-۸۱، ۸۱.
- یزدانی احمدآبادی و همکار، ط. (۱۳۹۷). پژوهشی پیرامون واژه «حق» در قرآن با تأکید بر آیه ۷۱ سوره رعد. کنفرانس ملی علوم اسلامی و پژوهش های دینی.